

## حقوق جزائی

میتواند مرتکب را بکمتر از حد اکثر محکوم کند بدون آنکه بتواند مجازات را بکمتر از حداقل تنزیل دهد. این قسمت از ماده ناظر بدو موضوع است :

اولاً - موردیکه متهم سابقه تکرار داشته و یا جرم او متعدد باشد .

ثانیاً - موردیکه کیفیات مشدده دیگری غیر از تکرار و تعدد وجود داشته باشد .

در این دو مورد هرگاه موجبات تخفیف نیز موجود باشد، بین آنها و کیفیات مشدده معارضه حاصل میشود که تکلیف آنرا قانون در ماده ۴۵ مکرر معلوم کرده است - بموجب ماده مزبور بدادگاه اجازه داده شده است در این قبیل موارد مرتکب را بکمتر از حد اکثر محکوم کند . حال باید دید هر یک از دو موردیکه ماده ۴۵ بآنها اشاره کرده در عمل چگونه حل میشود .

۱۸۸ - اول - موردیکه کیفیات مشدده دیگری غیر از تکرار و تعدد وجود داشته باشد . در این قبیل موارد مجرم باید مطابق قانون بعد اکثر مجازات محکوم شود - مثلاً فرض کنیم شخصی باتهام عمل منافی عفت تعقیب و عمل او مقرون بیکدی از علل مشدده هفت گانه مذکور در ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی بوده و باید طبق قانون بعد اکثر مجازات که ده سال حبس با اعمال شاقه است محکوم شود. ولی اگر جهات مخففه هم وجود داشته باشد قاضی میتواند متهم را بکمتر از حد اکثر محکوم کند بدون آنکه بتواند از حداقل که در ماده ۲۰۷ سه سال حبس با اعمال شاقه تعیین شده یائین تر بیاید - بعبارة آخری دادگاه میتواند مجازاتی بین سه سال و ده سال برای متهم در نظر بگیرد . بنابراین در این مورد هیچ اشکالی نیست .

چنانکه ملاحظه میشود در بعضی از موارد قانون اجازه داده است در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات مجرم یک رگاهی دو درجه تخفیف پیدا کند - مثلاً ماده ۱۹۲ اصلاحی در مورد قتل عمد که مجازات آن اعدام است در صورت وجود کیفیات مخففه تخفیف مجازات را تا دو درجه اجازه داده است . گاهی از اوقات نیز مجازات جرائم جنائی را میتوان تا حبس تأدیبی تنزیل داد . چنانکه فقره ۴ از ماده ۴۴ مجازات حبس مجرد را در مورد تخفیف قابل تبدیل بحبس تأدیبی که مدت آن کمتر از ششماه نباشد دانسته است . ولی چنانکه سابقاً اشاره کردیم بعقیده کسانی که تبدیل مجازات را موجب تبدیل نوع جرم نمی دانند ، حکم بمجازات از درجه جنحه ماهیت جرم را تغییر نداده و جرم مورد اتهام جنایت باقی میماند و تمام آثار جنائی بر آن مترتب می گردد .

اما در مورد جنحه حدرد تخفیف را ماده ۴۵ تعیین و چنین مقرر میدارد که هرگاه اوضاع و احوال مقتضی تخفیف باشد مجازات حبس تأدیبی را میتوان تا هشت روز تخفیف داد و حتی آنرا تبدیل بغرامت نمود .

### باب سوم

#### اجتماع کیفیات مشدده و کیفیات مخففه

۱۸۷ - ممکن است در بعضی از موارد کیفیات مشدده و مخففه باهم اجتماع کنند - ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۵ خرداد ۳۱۳ این مورد را پیش بینی کرده میگوید در مورد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردیکه مطابق قانون مجرم باید بعد اکثر مجازات محکوم شود ، هرگاه موجبات تخفیف موجود باشد دادگاه

حکم تکرار جرم میبایند (یعنی پنجسال) یا مقصود حداکثر جرم دوم پس از جاری ساختن حکم تکرار جرم می باشد (یعنی هفت سال و نیم) - و همچنین ماده ۴۵ میگوید دادگاه میتواند مرتکب را بکمتر از حد اکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را بکمتر از حداقل تنزیل دهد - آیا مقصود از حد اقل چیست؟ مقصود حد اقل مجازات جرم دوم قبل از جاری ساختن حکم تکرار جرم است؟ (یعنی در مثال مورد بحث سه سال) یا مقصود حداقلی است که پس از جاری شدن حکم تکرار بموجب ماده ۲۵ باید در حق متهم منظور گردد؟ (یعنی پنجسال) .

فایده این بحث بسیار است زیرا اگر ما حداقل و اکثر مذکور در ماده ۴۵ مکرراً حد اقل و اکثر مجازات جرم اصلی بدانیم مجازات متهم باید بین سه سال و پنجسال تعیین شود و اگر حد اقل و اکثر را پس از جاری ساختن حکم تکرار جرم تعیین کنیم مجازات متهم باید بین پنجسال و یکروز و هفت سال و نیم تعیین گردد .

ولی قبول هر یک از این دو طریقۀ مواجهه با اشکال میشود زیرا اگر شق اخیر قبول شود یعنی حد اقل مجازات را در مثالی که فوقاً ذکر کردیم (ساختن و رواج سکه قلب پس از محکومیت سابق متهم و سرقت عادی) پنجسال و حد اکثر آنرا هفت سال و نیم تعیین کنیم آنوقت دادگاه بموجب فقره ۱ از ماده ۲۵ باید مجرم را به بیشتر از حداکثر مجازات جرم دوم محکوم کند بدون اینکه از حد اکثر آن مجازات بعلاوه نصف تجاوز نماید. بعبارة آخری دادگاه می تواند مجازات متهم را بین پنجسال و هفت سال و نیم تعیین کند - بنا براین ممکن است مجازات مجرم به پنجسال و یکروز تعیین گردد .

حال اگر در این مورد برای مرتکب موجبات تخفیفی موجود باشد دیگر دادگاه قادر نخواهد بود ماده ۴۵ مکرراً را اعمال کند زیرا بموجب ماده ۲۵ زبور نمیتوان مجازات متهم را در مثال مورد بحث از پنجسال کمتر تعیین نمود - بنابراین

۱۸۹ - دوم - موردی که متهم سابقه تکرار و تعدد دارد - برای روشن شدن موضوع، هر یک از دو مورد تکرار و تعدد را علیحده ملاحظه میکنیم - در مورد تکرار حل موضوع چندان ساده نیست. ماده ۴۵ میگوید هرگاه موجبات تخفیف موجود باشد دادگاه میتواند مرتکب را بکمتر از حد اکثر محکوم کند بدون اینکه مجازات را بکمتر از حداقل تنزیل دهد. آیا در مورد تکرار دادگاه این اختیار را چگونه اعمال خواهد کرد؟

برای توضیح مطلب باید بموارد تکرار جرم که ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی تشریح کرده مراجعه کنیم. ماده مزبور در فقره ۱ میگوید اگر مجرم فقط یک سابقه محکومیت جنائی یا جنحه داشته باشد مجازات او بیشتر از حداکثر مجازات جرمی است که دفعه دوم مرتکب شده بدون اینکه از حد اکثر آن مجازات بعلاوه نصف تجاوز کند - حال اگر فرض کنیم در یک چنین موردی که مجرم فقط سابقه یک فقره محکومیت دارد کیفیات مخففه هم وجود داشته باشد که قاضی بخواهد ماده ۴۵ مکرراً اجری کند و متهم را بکمتر از حد اکثر محکوم سازد چگونه مفاد این دو ماده را باید بایکدیگر تلفیق نماید؟ مثلاً فرض کنیم شخصی سابقه یک فقره محکومیت سرقت عادی که از درجه جنحه است دارد و در نوبت نانی بساختن سکه قلب یا رواج دادن آن که از سه تا پنجسال حبس با اعمال شاقه مجازات دارد متهم شود .

مجازات متهم در این مورد طبق فقره ۱ از ماده ۲۵ از پنجسال حبس با اعمال شاقه که حد اکثر مجازات جرم دوم است باید بیشتر باشد بدون اینکه از حد اکثر بعلاوه نصف تجاوز کند بعبارة آخری مجازات متهم در این مورد از پنجسال و یکروز تا هفت سال و نیم حبس با اعمال شاقه است - حال اگر کیفیات مخففه وجود داشته باشد دادگاه نخواهد متهم را بکمتر از حد اکثر محکوم کند حد اکثر در اینجا چیست؟ آیا مقصود حد اکثر جرم دوم قبل از جاری ساختن

چنانکه ملاحظه میشود اگر حداقل و اکثر مذکور در ماده ۴۵ مکرر را پس از جاری ساختن حکم تکرار تعیین نمائیم، دیگر قاضی قادر نخواهد بود که موجبات تخفیف را در حق متهم رعایت کند.

بالعکس اگر حداقل و اکثر را قبل از جاری ساختن حکم تکرار جرم معین کنیم، یعنی در مثال مورد بحث حداقل و اکثر مجازات جرم دوم را که عبارت از ساختن و رواج سکه قلب باشد مأخذ قرار دهیم، عبارت آخری حداقل راسه سال و حد اکثر را پنجسال فرض کنیم، و بقاضی اجازه دهیم بموجب ماده ۴۵ مکرر مجازات متهم را تا سه سال که حداقل مجازات جرم اول تکالیفی است تنزیل دهد؛ دیگر بحالی برای در نظر گرفتن سابقه متهم و اجرای حکم تکرار جرم باقی نخواهد ماند. در این مورد چنین اظهار نظر شده و عمل هم در دادگاهها بهمین منوال جاری است که حداکثر را حداکثر جرم نانی پس از جاری ساختن حکم تکرار جرم قرار میدهند، ولی حداقل را حد اقل جرم نانی قبل از جاری ساختن حکم تکرار میدانند، و چنین استدلال میکنند که هرگاه دادگاه نخواهد کیفیت مخففه را رعایت کند، طبق ماده ۲۵ میتواند مجازات مرتکب را در مثال مورد بحث پنجسال و یکروز قرار دهد. بنا بر این بدون در نظر گرفتن کیفیت مخففه مجازات ممکن است به پنجسال و یکروز تنزیل کند. معقول نیست که اگر دادگاه کیفیت مخففه را قابل رعایت بداند نتواند بکمتر از پنجسال حکم دهد. بنا بر این باید گفت مقصود از حد اقل مذکور در ماده ۴۵ مکرر، حداقل جرم نانی قبل از جاری ساختن حکم تکرار میباشد، و بنا بقییده فوق قاضی میتواند در مثال مورد بحث حداقل مجازات را تا سه سال تنزیل دهد.

این نظریه که عبارت از ترکیب و امتزاج حد اکثر پس از جاری ساختن حکم تکرار، یا حد اقل قبل از جاری ساختن آن میباشد هر چند مجوزی ندارد، ولی چون مساعد بحال مجرم است، در دادگاهها عموماً مورد قبول یافته، ولی باید اذعان کرد که در این مورد مقنن توجهی باشکالات

ناشیه از اجتماع مواد مورد بحث که در عمل ایجاد شده نکرده است.

۱۹۰. اجتماع کیفیات مشدده و مخففه در مورد تعدد

جرم - اما در مورد تعدد جرم اجتماع کیفیات مشدده و مخففه عادتاً تولید اشکال نمیکند زیرا هر چند بموجب قانون برای هر یک از جرائم مورد اتهام حکم مجازات علیحده صادر میشود ولی فقط مجازات اشد قابل اجرا است و بنا بر این اگر موجبات تخفیفی وجود داشته باشد و دادگاه بخواهد متهم را بکمتر از حد اکثر محکوم کند میتواند مجازات را تا حد اقل مجازات اشد تنزیل دهد - مثلاً هرگاه متهم مرتب یک فقره دزدی عادی شود که جزای او حبس تأدیبی از دو ماه الی دو سال است و مرتکب یک فقره سرقت مقرون بیکدی از شرایط هفت گانه مذکور در ماده ۲۲۶ شود، که مجازات آن حبس تأدیبی از ششماه تا سه سال است در صورت وجود موجبات تخفیف دادگاه می تواند جزای متهم را تا شش ماه حبس تأدیبی تنزیل دهد.

ولی ممکن است موردی پیش آید که حل قضیه باین سادگی نباشد مثلاً هرگاه یکی از دو جرم مورد اتهام دارای حد اقل خفیف تر از حد اقل مجازات جرم دیگر بوده ولی حد اکثری داشته باشد که شدیدتر از حد اکثر مجازات جرم مزبور است در این صورت ممکن است اجرای ماده ۴۵ مکرر ظاهر آن نظر مشکل آید زیرا معلوم نیست داده تا کدام یک از دو حداقل می تواند مجازات را تنزیل دهد - مثلاً فرض کنیم متهم مرتکب دو فقره جرم شده باشد که مجازات یکی، از ششماه تا دو سال و مجازات دیگری از سه ماه تا سه سال حبس تأدیبی باشد. حال اگر دادگاه بخواهد در بازه مجرم رعایت تخفیف کند مجازات را تا چه میزان میتواند تنزیل دهد؟ تا سه ماه یا تا ششماه؟ در این مورد همان استدلالی که در مورد عطف بامسابق نشدن قوانین جزا بیان کردیم تکرار کرده میگوئیم چون مجازات اشد در این قبیل موارد مجازاتی است که حد اکثر آن شدیدتر باشد هر چند که حد اقل آن خفیف تر از حد اقل

نموده - همچنین ماده ۲۷ مجازات شریک جرم را در صورتیکه يك جزاء عمل را انجام داده باشد حداقل مجازات فاعل اصلی میداند - در تمام این صور موارد مشابه دیگر مجازات مقرر حد اقل و اکثر ندارد و بحکم قسمت آخر ماده ۴۵ مکرر دادگاه در این قبیل موارد میتواند هر گاه موجبات تخفیف موجود باشد مجازات را تا معادل یک ربع از میزان جزائی اصل عمل تخفیف دهد .

بخش سوم

سقوط مجازات ها

**۱۹۲. کلیات** - ممکن است بمناسباتی اجرای مجازات درباره متهم مصلحت نباشد یا اینکه پس از اجرای قسمتی از آن مصلحت اقتضا کند که محکوم قبل از ختم دوره مجازات آزاد گردد، یا آثار ناشیه از محکومیت بعد از اتمام مجازات زائل شود، یا حکم محکومیت در صورتیکه بموقع اجرا گذاشته نشده باشد پس از انقضای مدتی غیر قابل اجرای شود . در تمام این صور مجازات ساقط شده و خاتمه پیدا میکند .

ما موارد مزبور را تحت عنوان تعلیق مجازات - عفو عمومی - عفو و تخفیف مجازات - اعاده حیثیت - مرور زمان مطالعه خواهیم کرد .

باب اول

تعلیق مجازات

**۱۹۳. تعریف** - بدیهی است حکم مجازات فقط رفتی اثرات خود را می بخشد که اجرا گردد . ولی گاهی از اوقات مصلحت آنست که برای اصلاح مجرم مجازات او تعلیق شود یعنی هر گاه بمجرمینتی که سابقه ارتکاب جرم ندارند اخطار گردد که حکم محکومیت آنها معلق میماند و در صورتیکه در آئینه مرتکب جرم دیگری نشوند مجازات مزبور در حق آنها جاری نمیشود و بالعکس اگر مرتکب جرم دیگری شوند مجازات جرم سابق علاوه بر مجازات جرم جدید در حق آنها مجری خواهد شد البته مجرم بمنظور خلاصی از مجازات سعی در ترمیم گذشته کرده و از ارتکاب جرم جدید احتراز می کند .

نام تمام دکتر سمعی

مجازات جرم دیگر بوده باشد، باینجهت دادگاه میتواند در مثال مورد بحث مجازات را تا سه ماه تنزیل دهد، زیرا مجازاتی که در این مورد درباره مجرم قابل اجرای است مجازاتی است که حد اکثر آن شدیدتر از دیگری است یعنی مجازاتی که از سه ماه تا سه سال حبس تأدیبی برای آن پیش بینی شده .

**۱۹۱. مواردیکه مجازات مقرر حد اقل و اکثر**

ندارد - ممکن است بعضی از مجازاتها در قانون جزا حداقل و اکثر نداشته باشد مثل اعدام یا حبس مؤبد با اعمال شاقه - در این قبیل موارد هر گاه موجبات تخفیف موجود باشد تکلیف دادگاه چیست ؟

قسمت آخر ماده ۴۵ مکرر این مورد را پیش بینی کرده چنین میگوید که در این قبیل موارد دادگاه میتواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یکدرجه و در سایر موارد فقط تا حد اقل یک ربع از میزان جزائی اصل عمل را تخفیف دهد . بنابراین هر گاه مجازات مقرر بدون حد اقل و اکثر باشد در صورت وجود موجبات تخفیف دادگاه میتواند متهم را در مورد اعدام بحبس مؤبد با اعمال شاقه و در مورد حبس ابد بحبس موقت با اعمال شاقه محکوم کند . در موارد دیگر مجازات ممکن است تا معادل یک ربع از میزان جزائی اصل عمل تخفیف پیدا کند، مثلاً ماده ۱۹۳ در مورد توقیف و حبس غیر قانونی مجازات مرتکب را سه سال حبس تأدیبی قرار میدهد - در این مورد مجازات مقرر حداقل و اکثری ندارد - همچنین ماده ۱۶۵ مجازات شخصی را که نسبت بیکی از مأمورین مذکور در مواد ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ در حین انجام وظیفه یا بسبب آن با حربه یا بی حربه ضرر یا صدمه وارد آورد، حدا کثر مجازات مذکور در آن مواد مقرر داشته - و نیز در مورد هتك ناموس بعنف یا تهدید ماده ۲۰۷ قسمت الف در صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقرات هفت گانه ماده مزبوره جزای مرتکب را حد اکثر مجازات مذکور در آن ماده یعنی ده سال حبس با اعمال شاقه تعیین